

کنکاشی پیرامون چارچوب مفهومی گزارشگری مالی*

«قسمت دوم»

نوشته: برایان کارسبرگ
ترجمه: دکتر محسن دستگیر
امیر پوریاناسب

می‌توانست به‌جای چهار اصطلاح از دو اصطلاح استفاده کند: یکی عناصر مثبت و دیگری عناصر منفی سود جامع را بازنمایی کنند. اما این چهار اصطلاح سال‌ها در ایالات متحده استفاده شده است و هیات به جای ابطالشان به آنها اعتبار و صلابت بیشتری بخشید و این اقلام را با تعریف درآمدها و هزینه‌ها به عنوان تغییرات دارایی‌ها از محل فعالیت‌های عملیات اصلی یا محوری مستمر، و تعریف افزونه‌ها و زیان‌ها به عنوان تغییرات دارایی‌ها از محل معاملات فرعی یا اتفاقی متمایز کرد.

خوانندگان شاید اصطلاح سود جامع را بسیار عجیب بدانند در حالی که می‌شد از اصطلاحاتی چون سود^۴، سودهای خالص^۵، یا منفعت^۶ استفاده شود. در حقیقت، استفاده از این اصطلاح را می‌توان هشدار پیش‌هنگام از مشکلاتی دانست که بعداً در ارزیابی طرح چارچوب مفهومی با آن مواجه خواهیم شد. سود جامع، همان‌گونه که می‌توان در معادله‌ی شماره‌ی

تعریف دارایی‌ها را می‌توان مثالی از درونه‌های این بیانیه دانست. محور تمرکز بیانیه‌ی اهداف را بیاد آورید که دارایی‌ها چیزهایی تعریف می‌شود که در ترازنامه نمود می‌یابند و به ارزیابی جریان‌های نقدی آینده کمک می‌کنند. البته این برداشت بدی نیست اما فاقد دقت یک گزاره‌ی واقعی است. دارایی‌ها بی‌سهم و ویژگی تعریف می‌شوند؛ نخست آن که مزایای اقتصادی احتمالی آینده را بازنمایی می‌کنند. دوم، این مزایا را باید شرکتی که گزارش می‌شود تحصیل یا کنترل کند؛ و سوم، دارایی باید نتیجه‌ی یک معامله یا رویداد گذشته باشد. این تعریف واقعاً در خور بیانیه‌ی اهداف است. اشاره به مزایای اقتصادی آینده، مستقیم یا غیرمستقیم، با بهره‌مندی از جریان‌های نقدی سازگار است.

تمایز بین درآمدها و هزینه‌ها از یک‌سو و افزونه‌ها و زیان‌ها از دیگر سو نیز موضوع درخور توجه دیگری است. هیات استانداردهای حسابداری مالی شاید

عناصر صورت‌های مالی

سسومین بیانیه‌ی مفهومی هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا عناصر صورت‌های مالی را، که عموماً به ترازنامه و صورت سود و زیان ساخت می‌بخشند، در ده عنصر تعریف می‌کند. این عناصر را می‌توان در قالب سه رابطه (معادله) بیان کرد:

۱- دارایی‌ها منهای بدهی‌ها برابر است با حقوق مالی.
۲- در هر دوره‌ای، سرمایه‌گذاری‌های مالکان به علاوه سود جامع منهای توزیعات بین مالکان برابر است با تغییر در حقوق مالی^۱.

۳- سود جامع^۲ برابر است با درآمدها منهای هزینه‌ها به اضافه‌ی افزونه‌ها^۳ منهای زیان‌ها.

این نوشتار به گستردگی به تعاریف تمام عناصر بالا نمی‌پردازد، بلکه تنها درباره‌ی درونه‌های بیانیه‌ی سوم و یکی دو نکته‌ی خاص بحث می‌کند.

بتواند پاسخ‌های چنین پرسش‌هایی را به دست دهد.

بررسی مشکلات طرح بازشناسی فوراً ما را به درک جایگاه و ارزش مسائل طرح اندازه‌گیری رهنمون می‌سازد. فرض کنید شرکت نفتی مثال ما سرانجام وجود یک مخزن نفت را با برآوردهای کمی که براساس استانداردهای مهندسی تعیین شده است شناسایی می‌کند. اکنون می‌تواند یک دارایی را بازشناسی کند، اما به چه مبلغی باید آن را اندازه‌گیری کند؟ عدم قطعیت‌ها یا ابهام‌هایی وجود دارد، حتی اگر بخواهیم به میثاق بهای تاریخی وفادار بمانیم. اندازه‌ی این دارایی می‌تواند تنها شامل بهای اکتشاف و بهای توسعه‌ی انتساب‌پذیر به عرصه‌هایی باشد که آنجا نفت یافت شده است، یا این که ما می‌توانیم فقط نسبتی از بهاگان برنامه‌ی اکتشاف را با اتکاء به این منطق که جستجوی نفت همراه با شانس است، منظور نماییم. تلاش‌های بی‌نتیجه همواره در کنار موفقیت‌ها است، و اقتصاد این کارها به گونه‌ای است که انتظار می‌رود ارزش موفقیت‌ها، بهای ناکامی‌ها و هم چنین بهای موفقیت‌ها را پوشاند. البته، این مثالی از مسئله‌ی سهم‌بندی بها^{۱۴} است.

مفهوم ارزش تنزل یافته^{۱۵} می‌تواند مبنای ایده‌آلی برای شرح و بسط مفاهیم اندازه‌گیری به دست دهد. براساس این مفهوم، یک دارایی به مبلغی اندازه‌گیری می‌شود که شرکت به همان میزان از تملک آن دارایی منتفع می‌گردد. این مبلغ ارزش جبرانی منصفانه‌ای را بازنمایی خواهد کرد که مبین استفاده‌ی شرکت از خدمات تنزل یافته‌ی دارایی است. این مفهوم به این نتیجه‌گیری می‌انجامد که دارایی‌های به جای بهای تاریخی به بهای جاری یا مبلغ پوشش‌پذیر پایین‌تری اندازه‌گیری شود. این‌جا است که طرح هیات استانداردهای حسابداری مالی درباره‌ی اندازه‌گیری با مشکلات جدی رویارو می‌شود.

بازشناسی^{۱۰} و اندازه‌گیری^{۱۱} به صرف این که چیزی مشمول تعریف پیش‌گفته از دارایی است نمی‌توان آن را به‌طور خودکار در ترازنامه آورد. شرط دیگری که باید احراز کند تائیدپذیری^{۱۲} است. انتظار داریم سلسله‌ای از آزمون‌های موضوعه را بیابیم تا به کمک آنها تصمیم بگیریم چیزی را در ترازنامه درج کنیم یا نکنیم^{۱۳}. این آزمون‌ها ممکن است شامل (۱) علم به وجود آن قلم، (۲) تعیین این که یک منبع اقتصادی است، (۳) این که به شرکت تعلق دارد، (۴) این که برحسب پول قابل اندازه‌گیری است؛ و (۵) برآورده شدن هر چهار آزمون قبلی در تاریخ ترازنامه، باشد.

شرکتی که سرگرم اکتشافات به امید یافتن نفت است مثالی از وضعیتی را به دست می‌دهد که در آن تصمیم‌گیری در باره‌ی بازشناسی مشکل است. فرض کنید در طی یک دوره‌ی حسابداری این شرکت مبالغی را صرف مطالعات زمین‌شناسی کرده است و در پایان دوره عرصه‌هایی را شناسایی کرده است که ارزش بررسی‌های بیشتر را دارد. این تنها نکته‌ای است که هنگام تنظیم ترازنامه معلوم است. هنگام تهیه‌ی ترازنامه، تنها می‌دانیم که ممکن است در بعضی عرصه‌ها آن هم، شاید برپایه‌ی احتمالات کمی نفت یافت. آیا در این زمان می‌توان یک دارایی را بازشناخت؟ فرض کنید پاسخ "خیر" است. در دوره‌ی بعد، شرکت به حفاری‌اش برای اکتشاف چاه‌های نفت ادامه می‌دهد، برخی عرصه‌ها به نفت نمی‌رسند، در حالی که برخی دیگر به کشف ذخایر نفت می‌انجامند. در پایان دوره‌ی بعد، شرکت می‌داند که نفت یافته است، اما هنوز آزمون‌های کافی را برای برآوردی اطمینان‌پذیر از کمیت ذخایر انجام نداده است. آیا حالا می‌تواند یک دارایی را بازشناسد؟ بیانیه‌ی مفاهیم ناظر بر بازشناسی در صورتی فایده‌مند است که

۳ بالا دید تمام تغییرات در دارایی‌های خالص را بازتاب می‌دهد جز آن دسته از تغییرات که ناشی از سرمایه‌گذاری مالکان و توزیعات بین آنها است. بنابراین سود جامع مبتنی بر مفهوم حفظ سرمایه‌ی مالی^۷ است. برخی از موسسان و دست‌کم یکی از اعضای هیات استانداردهای حسابداری مالی از این وضعیت ناخرسند بودند. آن‌ها از این نگره حمایت می‌کردند که کانون تمرکز صورت سود و زیان باید مفهومی محدودتر باشد و باید برخی از اقلام که بخشی از سود جامع خواهند بود از شمول آن خارج گردند. مخالفان عقیده داشتند آن رقم سودی (سطر آخر صورت سود و زیان) خوب است که منتسب به تلاش‌های مدیران باشد. این رقم باید نتایج عملیات را بازتاب دهد و شامل افزونه‌های بادآورده نباشد. چنین مفهومی را با اتکاء نمی‌توان اندازه‌گرفت. درهرحال، یکی از پیامدهای استفاده از آن مستثنی کردن اثرات تغییر قیمت‌ها از صورت سود و زیان و تاکید بر مفهوم حفظ سرمایه‌ی فیزیکی^۸ است.

اعضای هیات استانداردهای حسابداری مالی برای رسیدن به این مفهوم محدودتر درباره‌ی امکان تعریف سود خالص بحث کردند، اما نتوانستند به توافق برسند. برای رسیدن به مصالحه در این زمینه، آنها موضوع را برای بررسی بیشتر در یکی از مراحل بعدی موقتاً به بایگانی سپردند. اعضای هیات از اصطلاح سود جامع به‌جای اصطلاح سود که قبلاً در همین طرح به‌کار برده می‌شد، استفاده کردند و اصطلاح سود خالص را برای استفاده‌های آینده، شاید به منظور توصیف اندازه‌گیری سود بر مبنای مفهوم حفظ سرمایه‌ی فیزیکی کنار گذاشتند. هیات استانداردهای حسابداری مالی هم چنین خاطر نشان ساخت که ارائه‌ی تعریف از عنصری جدید موسوم به تعدیل حفظ سرمایه^۹ را به بعد موکول می‌کند.

توافق بر سر این موضوع که بیانیه‌ی مفاهیم باید تا چه حد اندازه‌های جاری را توصیه کند دشوار می‌نماید. برخی مشکل اساسی را مفهوم نقدآوری^{۱۶} (تحقق) می‌دانند؛ برخی دیگر مسئله را اتکاء‌ناپذیری اندازه‌های جاری می‌پندارند. فرض کنید شرکتی اوراق بهاداری دارد که قیمت جاری بازار آن‌ها بالاتر از بهای خریدشان است. برخی حجت می‌آورند که قیمت جاری بازار نباید در ترازنامه بازشناسی شود، آنها براین عقیده‌اند که افزونه‌ی ناشی از افزایش قیمت تا زمانی که اوراق بهادار به نقد یا معادل نقد تبدیل نگردد، به دست نمی‌آید. با وجود این، برخی دیگر می‌گویند که قیمت جاری بازار اوراق بهادار باید در ترازنامه بازشناسی شود و افزونه‌ی مربوط نیز در سود شرکت آورده شود؛ آنها به این نکته اشاره می‌کنند که ارزش جاری را می‌توان با اتکاء‌پذیری کامل، البته با اتکای بالاتری از بدهکاران تجاری که در معرض ریسک نکول پیش‌تری قرار دارند، اندازه گرفت. هم چنین دلیل می‌آورند که افزونه‌ی ناشی از افزایش قیمت نیز واقعاً در طول دوره‌ی جاری اتفاق افتاده است. چنانچه قیمت اوراق بهادار در یکی از دوره‌های آینده کاهش یابد، اگر چه زیانی در آن دوره برخواهد خاست اما به این واقعیت که در دوره‌ی جاری افزونه‌ای رخ داده است خللی وارد نمی‌کند.

مفاهیم بیانیه‌ی ویژگی‌های کیفی، که مبتنی بر ربط‌پذیری^{۱۷} و اتکاء‌پذیری^{۱۸} است، قویاً به این نتیجه‌گیری اشاره دارد که قیمت‌های جاری باید در موارد پیش‌گفته بازشناسی شود. ارزش جاری املاک، ساختمان‌ها و تاسیسات یا کالاها را با اتکاء‌پذیری کم‌تری از اوراق بهادار بازارپذیر^{۱۹} می‌توان اندازه گرفت و اغلب مردم معتقدند که اتکاء‌پذیری برخی از این دارایی‌ها چنان پایین است که نباید مبالغ جاری‌شان را در ترازنامه‌ی اصلی بازشناسی

کرد. چنین مشکلی هیات را با شماری از انتخاب‌ها رها می‌کند. هیات می‌تواند معیاری را برای ارزیابی درجه‌ی اتکاء‌پذیری یک اندازه‌ی خاص، و احتمالاً براساس وجود یک بازار منطقی‌فعال، وضع کند و اجازه دهد دارایی‌هایی که این معیار را برآورده می‌سازند در ترازنامه به ارزش جاری‌شان آورده شوند؛ یا این که هیات می‌تواند تصمیم بگیرد که ترازنامه‌ی اصلی باید به بهای تاریخی محدود گردد. هر گزینه‌ای که اتخاذ شود، هیات می‌تواند افشای مکمل درباره‌ی ارزش جاری دارایی‌ها را الزامی کند. واکنشی منطقی به وضعیتی که در آن یک اندازه دارای درجه‌ی بالایی از اتکاء‌پذیری و درجه‌ی پایینی از ربط‌پذیری است، حال آن که اندازه‌ی رقیب دارای درجه بالایی از ربط‌پذیری و درجه‌ی پایینی از اتکاء‌پذیری است، شاید الزامی کردن گزارش هر دو اندازه و واگذاری قضاوت نهایی درباره‌ی معنی‌داری آنها به استفاده‌کنندگان باشد.

هر دیدگاهی که اتخاذ گردد، در هر حال هیات استانداردهای حسابداری مالی با مشکل تبیین این مسئله روبه‌رو است که چرا کالاها باید به اقل بها یا ارزش بازار اندازه‌گیری شود. به نظر می‌رسد دومین بیانیه‌ی مفاهیم هیات استانداردهای حسابداری مالی توسل به مفهوم محافظه‌کاری در این مورد را کنار گذاشته است، و دیگر، اندازه‌های ارزش بازار که پایین‌تر از بها است احتمالاً اتکاء‌پذیرتر از اندازه‌های ارزش بازار که بالاتر از بها است نخواهد بود.

مفهوم سود

قبلاً دیدیم که هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا هنگام صدور سومین بیانیه‌ی مفاهیم، که به عناصر صورت‌های مالی می‌پردازد، بررسی کامل مفهوم سود را به بعد موکول کرد. با وجود

این، طبیعتاً اعمال فشار به هیات برای بررسی کامل این موضوع مهم افزایش یافت. در نتیجه هیات تصمیم گرفت به این موضوع در پیش‌نویس بیانیه‌ی گزارشگری سود، جریان‌های نقدی، و وضعیت مالی بپردازد^{۲۰}. پیش‌رفت‌هایی نیز با تاکید بر باورهای پیشین هیات، مبنی بر این که سود باید با توجه به "مفهوم حفظ سرمایه‌ی مالی" تعیین گردد، و به مفهوم "حفظ سرمایه‌ی فیزیکی" فروکاسته شود، حاصل شد.

با وجود این، هیات استانداردهای حسابداری مالی می‌خواست مفهوم سود را به شیوه‌ای توصیف کند که به شرح و بسط مفاهیم اندازه‌گیری کمک کند. امکان پذیرش رویکرد هیگز گرایان^{۲۱} که بر پتانسیل مصرف تاکید دارد بررسی شد: سود شرکت برابر با حداکثر مبلغی است که سهامداران می‌توانند مصرف کنند بی آن که ثروت خالص شرکت کاهش یابد. با این وجود، این خط فکری با اقبال روبه‌رو نشد. اعضای هیات استدلال می‌کردند که سهامداران معمولاً تصمیمات مصرفشان را بر مبنای صورت سود و زیان شرکتی که در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند قرار نمی‌دهند. تصمیمات مصرف در صورتی که مبتنی بر چیزی غیر از جریان‌های نقدی واقعی و پیش‌بینی شده باشد از سود تقسیمی و تغییرات قیمت سهام شرکت متاثر خواهد شد، و این قیمت‌ها نوعاً به روشی تعیین می‌شود که به نحو چشم‌گیری متفاوت از اندازه‌های دارایی‌های شرکت است. این استدلال متضمن این است که تمرکز اصلی حسابداری باید فراهم آوردن اطلاعاتی باشد که بتوان از آنها برای تعیین قیمت بازار سهام استفاده کرد.

برخی افراد احتمالاً علاقه‌مندند که سود برحسب هم‌زمانی بهاگان و درآمدهای یک دوره‌ی مالی تعریف شود. با وجود این، بسیاری پی برده‌اند که این راه برون رفت از مسئله نیست. این رویکرد بدون تعاریف

دقیق درآمدها و بهاگان و مفهوم هم‌زمانی کمک ناچیزی به حل مسئله خواهد کرد؛ موضوعاتی از این قبیل ایجاب می‌کند که هر چه زودتر مسائل اندازه‌گیری دارایی‌ها حل و فصل گردد. در نتیجه این خط فکری به این دیدگاه انجامیده است که سود را می‌توان به عنوان اندازه‌ی تغییر دارایی‌های خالص شرکت تعریف کرد و این موضوع در طرح اندازه‌گیری باید قبل از نهایی شدن تعریف سود، حل و فصل گردد.

پیش‌نویس بیانیه‌ی گزارشگری سود، جریان‌های نقدی و وضعیت مالی، حاوی شماری از مفاهیم فایده‌مند در کنار بخش‌هایی است که می‌کوشند به مفهوم سود بپردازند. به نظر می‌رسد این بخش‌های نسبتاً بحث‌انگیز نباشد. این بخش‌ها رهنمودی را درباره‌ی افشاگری در صورت سود و زیان با تاکید بر نکته‌ای که از پی می‌آید به دست می‌دهد: "اجزاء مهم‌تر از کل است". از این رو، این امر نیاز به گزارش اجزاء صورت سود و زیان را به صورت جداگانه به رسمیت می‌شناسد و به خطر تاکید بیش از حد بر روی رقم سود اشاره می‌کند. این پیش‌نویس هم چنین در نوشته‌های رسمی اولین تعاریف را از مفاهیم نقدپذیری^{۲۲} و انعطاف‌پذیری مالی^{۲۳} (امکان تطبیق با شرایط متغیر) ارایه می‌دهد. این دو مفهوم از عوامل مهم تصمیم‌گیری درباره‌ی اطلاعاتی است که باید در صورت وضعیت مالی گزارش شود. در پایان، ضروری است تا به یک موفقیت کوچک نیز اشاره شود. پیش از این پیشرفت چارچوب مفهومی تا آن اندازه بود که نشان دهد صورت وجوه باید تاکیدش بر تغییرات نقد باشد، نه سرمایه در گردش یا دیگر تعاریف وجوه. این نتیجه‌گیری مثال جالبی از قدرت دو بیانیه‌ی مفهومی اول است، علی‌الخصوص به یاد آورید که در آمریکا گزارشگری جریان‌های وجوه به عنوان تغییرات سرمایه در گردش شیوه‌ی

عمل مسلطی بوده است. بیانیه‌ی اهداف به اطلاعاتی اهمیت می‌دهد که به ارزیابی جریان‌های نقدی آینده کمک می‌کند؛ و بیانیه‌ی ویژگی‌های کیفی به اطلاعاتی اهمیت می‌دهد که ارزش بازخورد دارند. این دو مفهوم در کنار هم به روشنی نشان می‌دهد که گزارشگری از جریان‌های نقدی واقعی نیاز است.

نتیجه‌گیری

برخی از مردم به طرح چارچوب مفهومی هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (FASB) به خاطر فراگیری و کلی‌گویی نتیجه‌گیری‌هایش انتقاد کرده‌اند. آنها می‌گویند این طرح حاوی گزاره‌های کلی است که دقت لازم را برای کمک واقعی به ارزیابی راه‌حل‌های مناسب جهت حل مشکلات حسابداری ندارد. اینان دلیل می‌آورند هر موضعی در قبال موضوعی خاص را می‌توان با چارچوب مفهومی توجیه کرد. بنابراین یک شیوه‌ی عمل غیرعینی را همواره می‌توان با این ادعا که اطلاعات به دست آمده فاقد اتکاءپذیری است یا متضمن بهایی بیش از مزایا است، رد کرد.

ظاهراً چارچوب مفهومی نمی‌تواند چنین مباحثی را برطرف کند. علاوه بر آن همچنان که مباحث بالا نشان می‌دهد، برخی از مهم‌ترین آزمون‌های چارچوب مفهومی را پیش‌رو داریم. قضاوت نهایی درباره‌ی فایده‌مندی طرح چارچوب مفهومی از حسارت هیات استانداردهای حسابداری مالی به هنگام رویارویی با موضوعات مربوط به طرح اندازه‌گیری تاثیر می‌پذیرد.

با وجود این، اشتباه است که انتظار زیادی از این طرح داشته باشیم؛ به نظر می‌رسد و می‌دانیم برخی پیشرفت‌های قابل اعتماد و استوار قبلاً حاصل شده است. سه بیانیه‌ی مفهومی اول زبان مشترک و دقیق‌تری را برای بحث پیرامون عدم

توافق‌ها روی موضوعات خاص به دست داده‌اند. مطمئناً عدم توافق‌ها هم چنان برخواهد خاست زیرا افراد وزن‌های متفاوتی را به بها و اتکاءپذیری در رابطه با ربط‌پذیری می‌دهند. اما چنین تفاوت‌هایی ممکن است با اجرای پژوهش‌ها محدودتر گردد. چنانچه افراد متفاوت در مورد بهای یک پیشنهاد پژوهشی تضاد آراء داشته باشند، می‌توان پژوهشی را برای برآورد سطح بهای احتمالی اجرا کرد؛ و با گذر زمان افسراد ممکن است در نتیجه‌ی اطلاعات مربوط به بهای پیشنهادها پذیرفته شده و پیشنهادها رد شده به نقطه نظری درباره‌ی هم‌سانی تصمیمات متفاوت دست یابند. پیشرفت مشابهی را می‌توان از مفهوم اتکاءپذیری انتظار داشت. این مورد البته یکی از نقطه‌های قوت مهم طرح چارچوب مفهومی است. اتکاءپذیری، چارچوبی برای نشان دادن نوع پژوهشی به دست می‌دهد که در آینده مورد نیاز است تا اختلاف نظرها را درباره‌ی مسایل بحث‌انگیز حسابداری محدود کند.

به نظر می‌رسد هیات استانداردهای حسابداری مالی از چارچوب مفهومی برای بهبود بحث پیرامون فرایند استانداردگذاری نفع برده است. منافع مشابهی را می‌توان در انگلستان با عرضه‌ی یک چارچوب مفهومی انتظار داشت. حقیقتاً محیط کسب و کار انگلستان تا آن جا که به موضوعات حسابداری مربوط می‌شود به محیط تجاری آمریکا شباهت دارد. هدف گزارشگری مالی، ویژگی‌هایی که اطلاعات حسابداری را فایده‌مند می‌سازد، و ماهیت دارایی‌ها، بدهی‌ها و عناصر سود، همه به نظر می‌رسد در دو کشور مشابه باشد. بنابراین در انگلستان می‌توانیم منافع قابل توجهی را با استفاده از بخش‌های تکمیل شده‌ی طرح چارچوب مفهومی آمریکا به دست آوریم، بی‌آن که لازم باشد در آنها تغییری ایجاد کنیم.

* Carsberg, V.Bryan., "The Quest for a Conceptual Framework for Financial Reporting" in Carsberg, B.V. and Dev,S, "Exteral Financial Reporting", Prentice Hall (1984)

- 1- equity
- 2- comprehensive income
- 3- gains
- 4- income
- 5- earnings
- 6- profit

پانوش

- 7- financial concept of capital maintenance
- 8- physical concept of capital maintenance
- 9- capital maintenance adjustment
- 10- recognition
- 11- measurement
- 12- verifiability
- 13- R. R. sterling, An Essay on Recognition, (Urpublished Working Paper, 1983)
- 14- cost allocation
- 15- deprival value concept
- 16- realization
- 17- relevance

- 18- reliability
- 19- marketable securities
- 20- Financial Accounting Standards Board, "Reporting Income, Cash Flows, and Financial Position of Business Enterprises" Proposed Statement of Financial Accounting Concepts, (FASB, 1981).
- 21- Hieksian approach
- 22- matching
- 23- liquidity
- 24- financial flexibility

قابل توجه اعضاء محترم انجمن حسابداران خبره ايران

دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد هشتمین سمینار سراسری حسابداری ایران را تحت عنوان "نقش حسابداری و حسابرسی در پاسخ‌گویی و توسعه اقتصادی" در تاریخ‌های ۲۷ و ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۸۳ برگزار می‌نماید. محورهای تعیین شده برای ارائه مقالات در همایش به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- ارزیابی عملکرد مدیران جهت پاسخ‌گویی به استفاده‌کنندگان
- ۲- نقش نهادهای حرفه‌ای در پاسخ‌گویی و توسعه اقتصادی
- ۳- حسابرسی عملیاتی و نقش آن در پاسخ‌گویی
- ۴- تاثیر اطلاعات و صورت‌های مالی حسابرسی شده در بازار سرمایه
- ۵- جایگاه گزارشات حسابرسی مستقل در سیاست‌گذاری اجرایی مدیران و انتظارات سهامداران
- ۶- نقش آموزش موثر در توسعه حسابداری
- ۷- منافع و محدودیت‌های به‌کارگیری استانداردهای حسابداری
- ۸- بررسی تطبیقی حسابداری کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ایران
- ۹- تاثیر جهانی شدن و توسعه تکنولوژی بر حسابداری و حسابرسی
- ۱۰- نقش سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری در توسعه اقتصادی (بویژه در بخش صنعت)
- ۱۱- سایر موضوعات مرتبط

از همکاران محترم تقاضا دارد با ارائه مقاله و با حضور در سمینار مذکور به غنای همایش بیفزاید. آدرس دبیرخانه همایش: مشهد - بلوار وکیل آباد - پردیس دانشگاه فردوسی - دانشکده علوم اداری و اقتصادی

فاکس: ۰۵۱۱۸۶۱۱۲۴۳

WWW.81ACCS.COM

Email-Info@81ACCS.COM